

ژنوم‌های ژئوپلیتیکِ تاثیرگذار بر کدهای رفتاری در سیاست خارجی ایران و روسیه

محسن خلیلی^{۱*}
جهانگیر حیدری^۲
حسین اصغری ثانی^۳
هادی صیادی^۴

چکیده

ژنوم ژئوپلیتیک به مثابه نقشه ژنتیک جغرافیایی سیاست و برخاسته از جغرافیای یک کشور، سیاست خارجی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ایران با دارا بودن پانزده کشور همسایه به عنوان منطقه‌ای ژئواستراتژیک، موقعیت برجسته‌ای دارد. شناخت دیدگاه‌های ژئوپلیتیک برآمده از ژنوم‌های ژئوپلیتیک همسایگان و شناسایی کدهای ژئوپلیتیکِ کشورهای هدف، می‌تواند نقش مؤثری در اتخاذ سیاست خارجی همراستا با وزن ژئوپلیتیک ایران ایفا کند. نگارندگان، با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای و با تأکید بر تحلیل کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک موجود در جغرافیای سیاسی ایران و روسیه کوشش کرده‌اند در قالب مدلِ تقابل کد/ژنوم‌ها، پیامدهای این تقابل و تأثیر را بر سیاست خارجی دو کشور تبیین کنند. یافته راهبردی مقاله این است که ایران در پرتو اصلاح رفتار خود در نظام بین‌الملل، می‌تواند روسیه را در موقعیت ضعف قرار دهد؛ ولی، روس‌ها با بهره‌گیری از رفتار ایران نسبت به نظام بین‌الملل، توانسته‌اند مانع استفاده ایران از قوت‌های ژئوپلیتیکِ خود و پوشاندن ضعف در کدهای ژئوپلیتیک روسیه، گردند.

واژه‌های کلیدی: ژنوم ژئوپلیتیک، کد ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، ایران، روسیه.



فصلنامه علمی پژوهشی
سیاست جهانی،
دوره سوم، شماره اول،
بهار ۱۳۹۳

- ۱- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد.
 - ۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی
 - ۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد
 - ۴- دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی
- * نویسنده مسؤل، ایمیل: Khalilim@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸

فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳، صص ۷۱-۴۱

مقدمه

ژئوپلیتیک، مطالعه تأثیرات عوامل ثابت جغرافیایی، سرزمین، وسعت، موقعیت، شکل کشور، و عوامل متغیر، جمعیت، نهادهای سیاسی، قومیت، بر سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات سیاسی است (عزتی، ۱۳۸۰: ۳). ایران با ۱۵ کشور مستقل بطور بلافصل و ۲۴ دولت، در خاورمیانه، همجوار است. اگر دولت‌های ایران اهمیت واقعیت جغرافیایی را درک می‌کردند، در رفتار درازمدت استراتژیک آن‌ها، دگرگونی‌های عمیقی به وجود می‌آمد (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۳). این در حالی است که اگر تعداد همسایگان یک کشور کمتر باشد، موقعیت نسبی بهتری خواهد داشت؛ زیرا، با افزایش تعداد همسایگان، به دلیل وجود خواسته‌های متفاوت، احتمال افزایش اختلاف با یکی یا تعدادی از آن‌ها پدید می‌آید (زین‌العابدین، ۱۳۸۹: ۱۳۱). روسیه، اگرچه مرز مشترکی با ایران ندارد (به‌استثنای همجواری در دریای کاسپین) ولی تداوم حضور ژئوپلیتیک‌اش، باعث شکل‌گیری نوعی سیاست خارجی کناکنشی میان دو کشور شده است. نویسندگان، با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای و با تأکید بر کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک جغرافیای سیاسی ایران و روسیه، کوشش نموده‌اند حضور ژنوم‌های ژئوپلیتیک در سیاست خارجی دو کشور را بررسی کنند.

۱. مبانی نظری

۱-۱. ژنوم ژئوپلیتیک

در علوم زیستی، هر موجود، دارای چندین بافت است؛ و هر بافت دارای چندین سلول است و هر سلول هم، دارای هسته می‌باشد. اما، در نگاهی ریزبینانه‌تر، ژنوم‌ها همانند رشته‌ای ریز هستند که هسته‌ها را به هم متصل نموده و مشخصه‌ی خاصی را به بافت و به تبع آن، به موجود زنده القاء می‌کنند. هر واحد سیاسی به‌عنوان یک موجود زنده متشکل از بافت‌هایی متفاوت است. ادیان، اقوام، هیدرولوژی، وسعت، از بافت‌های تشکیل‌دهنده یک کشور هستند. ژنوم ژئوپلیتیک، نقشه جغرافیایی ژنتیک سیاست کشور است که تأثیری بسزا در رفتار نظام‌های سیاسی در نظام بین‌الملل



دارد. همان گونه که انسان‌ها، مطابق با نقشه ژنتیک خود عمل می‌کنند، کشورها را نیز کدهای ژنتیک راهبری می‌کنند (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). ژنوم ژئوپلیتیک اگر بتواند بین منافع ملی یک کشور، با مزیت‌های جغرافیایی کشورهای دیگر، وابستگی ایجاد نماید، این وابستگی متقابل، فلسفه تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم جهانی می‌گردد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۶) و به سیاست‌مداران رخصت می‌دهد که از موقعیت‌های جغرافیایی سرزمین، حساسیت‌های استراتژیک دریایی و خشکی و منابع کمیاب اقتصادی و انرژی و آبی بهره بگیرند تا برتری‌خواهی‌های سیاسی منطقه‌ای و جهانی قدرت را جامه عمل بپوشانند.

۱-۲. کد ژئوپلیتیک

دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، کد ژئوپلیتیک نام گرفته که نتیجه استدلال ژئوپلیتیک عملیاتی است که شامل مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های سیاسی/جغرافیایی مربوط به زیرساخت سیاست خارجی یک کشور می‌شود. کدهای ژئوپلیتیک هر کشور مختص همان کشور است و کشورها سعی می‌کنند برای رسیدن به اهداف خود بر کدهای ژئوپلیتیک دیگران تأثیر بگذارند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۴). نقشه ژنگان سیاست جغرافیایی یک کشور به‌عنوان کدهایی ژئوپلیتیک از جانب کشورهای رقیب قلمداد گشته و برنامه‌های ذهنی سیاست خارجی یک کشور نسبت به کشور هدف را راهبری می‌کنند. یک کشور براساس نقشه ژنگان خود سیاست خارجی‌اش را سازمان‌دهی می‌کند و کشور رقیب با توجه به کدهای ژئوپلیتیک موجود در آن کشور سعی بر خنثی‌سازی آن‌ها دارد.

کد ژئوپلیتیک با ژنوم ژئوپلیتیک در هشت زمینه، متفاوت است: کد ژئوپلیتیک همان ژنوم‌های ژئوپلیتیک موجود در کشور رقیب یا هدف می‌باشد؛ ژنوم ژئوپلیتیک واقعیت‌های جغرافیایی موجود در محدوده‌ی مرزهای سیاسی کشور خودی است. کد ژئوپلیتیک در حیطه مطالعاتی مباحث مرتبط با ژئوپلیتیک است؛ ژنوم ژئوپلیتیک در حیطه مطالعاتی مباحث مرتبط با جغرافیای سیاسی است. از برقراری ارتباط مؤثر

بین ژنوم‌های خودی با کدهای کشور رقیب، یک سیاست خارجی به دور از آرمان‌گرایی شکل می‌گیرد. ژنوم با مقدرات ملی نیز اختلاف معنی دارد؛ چرا که، مقدرات ملی به آن‌دسته از مؤلفه‌های جغرافیایی و انسانی اطلاق می‌گردد که موجب قدرت ملی گردد. این مؤلفه‌ها در دوران‌های متفاوتِ زمامداری، متمایزاند. مثلاً، ناسیونالیسم از مقدرات ملی ایران در زمانه پهلوی بوده است؛ درحالی‌که، پس از انقلاب، ایدئولوژی و ژئوپلیتیک شیعه از مؤلفه‌های قدرت ملی قلمداد می‌شود. اما ژنوم ژئوپلیتیک تمام عواملی را که در قدرت ملی یک کشور نقش مثبت و منفی (بالفعل و بالقوه) دارند مطالعه می‌کنند. تمایز هفتم و هشتم چنین است که کد ژئوپلیتیک درحوزه‌ی سیاست خارجی و در راستای توسعه دامن‌های نفوذ سیاسی، شناسایی می‌شود؛ ولی، ژنوم ژئوپلیتیک درحوزه‌ی سیاست داخلی قرار داشته و در راستای جلب رضایت هموطنان و توجیه داخلی و بسترسازی سیاست خارجی به‌کارگرفته می‌شود.

۲-۳. سیاست خارجی و ژئوپلیتیک

برتری‌های ژئوپلیتیک کشورها به‌طور مشخص بر اساس امتیازهای محیط جغرافیای کشورها تعیین می‌شود و بهره‌بردن از این برتری‌ها و تلاش برای دستیابی به چیرگی‌های جغرافیایی تازه و ارتقای اهمیت برتری‌های قبلی در محیط بین‌الملل از اهداف مهم کشورها در عرصه بین‌المللی است. موقعیت ژئوپلیتیک یک کشور که می‌تواند تولیدکننده فرصت برای یک کشور باشد، به همان شکل می‌تواند محدودیت‌هایی را نیز ایجاد کند. برخی عوامل جغرافیایی می‌تواند سیاست و استراتژی ملی کشور را در یک حوزه ژئوپلیتیک منفعل و برای آن کشور نوعی چالش ژئوپلیتیک ایجاد کند (احمدپور و لشگری، ۱۳۸۹: ۳). ژئوپلیتیک برای دستیابی به یک سیاست خارجی کارآمد بر شناسایی محدودیت‌ها و امکانات به‌وجودآمده از موقعیت‌های در حال تحول منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد. درک ژئوپلیتیک از سیاست خارجی کشورها نیازمند تحلیل واقع‌بینانه از فضای جغرافیایی پیرامون یک واحد سیاسی، می‌باشد. از این جهت ژئوپلیتیک به‌عنوان یک عرصه مطالعاتی

می تواند راهبردهای سیاست خارجی کشورها را تعیین و اولویت اساسی آن را مشخص سازد (قالیباف و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۵). در تلقی بین المللی، از قدرت به عنوان موتور محرکه نظام بین الملل و هدف اصلی رفتار دولت ها برای کسب منافع و رفع تهدیدها یاد می شود. مهم ترین خصیصه قدرت پویایی است و این ویژگی باعث می شود تا جایگاه کشورها در سلسله مراتب قدرت در نظام بین الملل پیوسته تغییر پیدا کند. درک ژئوپلیتیک نسبت به نظام بین الملل به عنوان شاکله برآمده از قدرت و تحول دائمی جایگاه کشورها، حاوی بینشی عمیق برای سیاست خارجی دولت ها است. هدف نهایی ژئوپلیتیک از تشریح ساختار نظام روابط بازیگران و چارچوب های جغرافیایی قدرت، ارائه این دید به سیاست گذاران است که منابع قدرت برآیند چه عناصری هستند و چگونه بر شکل گیری سیستم ژئوپلیتیک جهانی و روابط قدرت بین المللی تأثیر می گذارند (قالیباف و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۵).

۲. ژنوم های جغرافیایی مؤثر بر سیاست خارجی روسیه

۲-۱. مساحت

جغرافیا تولیدکننده فرصت ها و محدودیت ها است. انسان ها سعی می کنند فرصت ها را مورد استفاده قرار دهند و بر محدودیت ها غلبه کنند و یا محدودیت های دیگران را چنانچه در موقعیت رقیب باشند به فرصت تبدیل کنند و علیه آنها به کار گیرند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۵۵). وسعت یک کشور یکی از عوامل تأثیرگذار در روابط بین المللی اش است. روسیه بزرگ ترین کشور جهان است. این کشور با بیش از ۱۷ میلیون کیلومتر مربع وسعت، حدود ۱۱/۵٪ خشکی های زمین را در خود جای داده است. از لحاظ موقعیت جغرافیایی بیش از دو سوم سرزمین روسیه در شمال مدار ۵۰ درجه قرار گرفته است. میان وسعت یک کشور و اقتدار سیاسی آن ارتباط وجود دارد. دولت های مستبدتر تمایل به گسترش سرزمین دارند، چون گسترش سرزمین این امکان را برای آنها به وجود می آورد تا مستبدانه تر حکومت کنند. موقعیت منحصر به فرد ژئوپلیتیک روسیه در کنار ترکیب متنوع قومی، نژادی و مذهبی، موجب شده است تا نگرش امنیتی، نقش تعیین کننده ای در سیاست خارجی روسیه

داشته باشد. احساس ناامنی و آسیب‌پذیری سرزمینی سبب شده است تا این کشور سیاست خارجی خود را نه بر پایه رقابت با آمریکا و یا منافع اقتصادی، بلکه بر اساس احساس هراس از تهدیدات محیطی و مشرف بر تمامیت سرزمینی تنظیم کند. موقعیت سرزمینی روسیه در تعامل این کشور با نظام بین‌الملل نقش بسزایی ایفا می‌کند؛ زیرا، روسیه نمی‌تواند نگرانی‌های امنیتی خود به‌ویژه در مرزهای جنوبی را نادیده بگیرد (عمادی، ۱۳۸۹: ۶۸).

۲-۲. ژئواکونومی

ژئواکونومی دربرگیرنده همه منابع روزمینی و زیرزمینی یک کشور است. کشاورزی در روسیه به دلیل شرایط نامناسب آب و هوایی رونق چندانی ندارد. روسیه، هر سال بخش مهمی از غلات مورد نیاز را از خارج وارد می‌کند. از نظر منابع معدنی در تولید طلا، پلاتین، نیکل و عرضه الوار و چوب نقش تعیین‌کننده‌ای در بازارهای جهانی ایفا می‌کند (داداندیش، ۱۳۸۴: ۱۵۶).

روسیه دارای بزرگ‌ترین ذخایر گازی جهان و دومین کشور صادرکننده نفت خام است. میزان منابع اثبات‌شده انرژی روسیه ۲۱٪ کل ذخایر موجود دنیا است. این منابع هم به لحاظ کیفیت و کمیت و هم به لحاظ تنوع در سطح بالایی قرار دارد. میزان ذخایر اثبات‌شده نفت روسیه بیش از ۷۴ میلیارد بشکه برآورد شده و این در حالی است که هنوز در دو سوم منطقه نفت خیز سیبری عملیات اکتشافی صورت نگرفته است. این کشور ۱۳٪ ذخایر جهانی نفت و بیش از ۳۶٪ ذخایر جهانی گاز را در اختیار دارد و هم‌اکنون با دراختیارداشتن سهم ۱۱ درصدی از بازار صادرات نفت جهان پس از عربستان (۱۴/۷٪) در مقام دوم قرار دارد. منابع نفت و گاز مهم‌ترین منبع درآمد روسیه است، به نحوی که حدود ۷۵٪ تولید ناخالص داخلی و ارزش تجارت خارجی این کشور از این منبع تأمین می‌شود. روسیه تنها قدرت مهم دنیا است که از لحاظ منابع انرژی خودکفا است.



منابع تولید روزانه نفت روسیه حدود ۸/۵ میلیون بشکه در روز است که طبق پیش‌بینی‌ها این رقم در سال ۲۰۱۵ به ۱۱ تا ۱۴ میلیون بشکه در روز خواهد رسید (نوری، ۱۳۸۶: ۳۰-۲۷).

۳-۲. ژئواتمیک

روسیه بر اساس دکترین نظامی خود مدعی است که به عنوان یک قدرت بزرگ در حوزه شوروی سابق و در مجاورت مرزهای روسیه با هم‌پیمانان خود به تهدیدات نظامی و امنیتی پاسخ منطقی می‌دهد. این امر نشان می‌دهد که روسیه علاوه بر ذخایر طبیعی و معدنی قوی، دارای زرادخانه غنی سلاح‌های هسته‌ای و بنابراین یک قدرت اتمی است که توانایی صدور خدمات فن‌آوری هسته‌ای را نیز دارد و جزء چند تولیدکننده اصلی، اسلحه جهان و دارای فن‌آوری پیشرفته هوایی - فضایی است که امکان صادرات آن را در مقیاس جهانی دارد (سیمبر و گل‌افروز، ۱۳۸۸: ۹۱).

۴-۲. تکرش قومی / زبانی و بحران‌های قومی

مفصل‌ترین سرشماری نفوس در شوروی، در سال ۱۹۲۶ انجام و طبق آن ۱۵۰ قوم شناسایی شد. در آن دوران بخشی از اقوام کوچک بدون داشتن سنخیت درهم ادغام شدند و اقوام جدیدی تشکیل دادند. اقوام در روسیه کنونی سه گروه‌اند: اول، شامل اقوامی است که بخش عمده آن‌ها در خاک روسیه زندگی می‌کنند و تنها اقلیت‌های کوچک آنان خارج از روسیه سکونت دارند. این اقوام عمدتاً خودمختار هستند. دوم، شامل اقوامی از جمهوری‌های شوروی و برخی از کشورهای دیگر است که در خاک روسیه در قالب گروه‌های با تراکم زیاد سکونت دارند و گروه سوم عبارت‌اند از اقوام کوچک که بخش عمده‌ی آن‌ها خارج از روسیه زندگی می‌کنند.

جدول (۱). نمودار ترکیب جمعیتی ملت‌ها در فدراسیون روسیه

دارگین‌ها	جمعیت	درصد	ملت‌ها
۳۵۳۰۰۰			
ترک‌زبانان	۱۴۷۰۲۲۰۰۰	۱۰۰	کل اقوام
کومی‌ها	۱۱۹۸۷۳۰۰۰	۸۱/۵۳	روس‌ها
کومیک‌ها	۵۵۲۱۰۰۰	۳/۷۵	تاتارها
لزگی‌ها	۴۳۶۰۰۰۰	۲/۹۶	اوکراین‌ها
اینگوش‌ها	۱۷۷۴۰۰۰	۱/۲۱	چوواش‌ها

باشقیرها	۰/۹۱	۱۳۴۵۰۰۰	توفانی‌ها	۲۰۶۰۰۰
روس‌های سفید	۰/۸۲	۱۲۰۶۰۰۰	مردم شمال	۱۸۲۰۰۰
مورداوها	۰/۷۲	۱۰۷۳۰۰۰	مولداووا	۱۷۲۰۰۰
چچن‌ها	۰/۶۱	۸۹۹۰۰۰	کالمیک‌ها	۱۶۶۰۰۰
آلمانی‌ها	۰/۵۷	۸۲۴۰۰۰	گیسیس‌ها	۱۵۳۰۰۰
اودمورت‌ها		۷۱۵۰۰۰	قره‌چای‌ها	۱۵۰۰۰۰
مری‌ها		۶۴۴۰۰۰	پرمیاکس‌ها	۱۴۷۰۰۰
قزاق‌ها		۶۳۶۰۰۰	گرچی‌ها	۱۳۱۰۰۰
آوارها		۵۴۴۰۰۰	ازبک‌ها	۱۲۷۰۰۰
یهودی‌ها		۵۳۷۰۰۰	کارلی‌ها	۱۲۵۰۰۰
ارمنی‌ها		۵۳۲۰۰۰	ادیغه‌ها	۱۲۳۰۰۰
بوریان‌ها		۵۱۷۰۰۰	کره‌ای‌ها	۱۰۷۰۰۰
اوست‌ها		۴۰۲۰۰۰	لاتسیس‌ها	۱۰۶۰۰۰
کابارد‌ها		۳۸۶۰۰۰	لهستانی‌ها	۹۵۰۰۰

(کولایی، ۱۳۷۶: ۹۴).

اقوام دیگری در دسته‌های کوچک‌تر که ریشه ایرانی دارند در فدراسیون روسیه زندگی می‌کنند مانند، اوستی‌ها، یهودیان کوهستانی، تاجیک‌ها، تات‌ها، ایرانی‌ها، کردها، افغان‌ها، بلوچ‌ها، تالش‌ها. سیاست‌های نژادی در شوروی سابق و نیز پی‌گیری ایدئولوژی روسی و عدم توزیع قدرت سیاسی و رشد اقتصادی نابرابر مناطق در فدراسیون روسیه باعث تنش‌های قومی شده است. جمهوری چچن با جمعیتی حدود ۱۱۰۰۰۰۰ نفر، ۹۳ درصد چچنی و حدود ۷ درصد روس را در خود جای داده است. چچن‌ها بیشتر سنی مذهب پیرو مکتب حنفی هستند که به شدت با آموزه‌های صوفیانه آمیخته است (شیخ‌الاسلامی و باقری، ۱۳۹۱: ۱۰۰). مناقشه‌ی چچن نزدیک به سه قرن است که ادامه دارد (رفیع و ذوالفقاری، ۱۳۹۰: ۹۰) در ۱۵ ژانویه ۱۹۳۴ چچن و اینگوش یک منطقه خودمختار شدند و در ۵ دسامبر ۱۹۳۶ به جمهوری خودمختار چچن- اینگوش ارتقا یافتند (Jaimoukha, 2005: 55). علت‌ها و زمینه‌های واگرایی چچن، می‌تواند سیاسی، اجتماعی، توزیع نابرابر اقتصادی، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئوراهبردی و دینی و مذهبی باشد (پاکتچی و براری، ۱۳۸۷: ۳۳). با وجود همه اقدام‌های نظامی روسیه، مردم چچن دست از استقلال‌طلبی برنداشته‌اند. سیاست روس‌ها برای

برخورد با چچنی‌ها قهرآمیز بوده است (کولایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۹). بحران خاموش چرکس‌ها از دیگر بحران‌های در حال ظهور است. چرکس‌ها یکی از اقوام ساکن شمال غرب قفقاز هستند که به زبان چرکسی از شاخه زبان‌های شمال باختری قفقازی (ایبری-قفقازی) سخن می‌گویند (زرگری‌نژاد و کاظم‌زاده، ۱۳۸۷: ۶۷). جمعیت و پراکندگی وسیع این قوم در قفقاز شمالی وزنه مهمی در مسائل استراتژیک است. درگیری و ناامنی در آبخازیا که بخشی از سرزمین تاریخی چرکستان است همواره روی داده و عناصر ملی‌گرایی در سایر نقاط قفقاز شمالی توسط این قوم تبلیغ شده است. بحران داغستان نیز از آشفته‌گی‌های درونی روسیه است. داغستان در شمال قفقاز و در ساحل دریای کاسپین است. بالغ بر ۵۰۳۰۰ کیلومتر مربع مساحت و ۲ میلیون و ۶۴۰ هزار نفر جمعیت دارد. داغستان بخشی از ناحیه اقتصادی شمالی قفقاز است. مهمترین صنایع آن نفت و گاز است (کولایی، ۱۳۸۹: ۱۰۷). مسئله ملیت‌ها در داغستان انفجارآمیزتر از هر جای دیگر در روسیه است. این جمهوری خودمختار نه‌چندان بزرگ، حدود ۳۰ ملیت قفقازی را در خود جای داده است. بحران داغستان نتیجه سیاست‌های دوره استالینی شوروی و نیز عدم توزیع برابر ثروت است (مریدی و بخشنده، ۱۳۹۰: ۱۳۴). بحران تاتارستان در روسیه کنونی نیز حاصل تداوم افول سرزمینی و سیاسی امپراتوری مغول و تلاش برای حفظ بستگی‌ها و عناصر هویتی اقوام برج‌مانده برای بازگشت به عظمت گذشته و بازیابی هویت ملی و لگایی-اورالی و ایجاد همبستگی با تاتارهای مقیم سیبری و اروپای شرقی است (نوازی و نوازی، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

۲-۵. **عدم دسترسی به آب‌های گرم**
روسیه اگرچه پهناورترین کشور جهان است اما مرزهای شمالی آن با قطب شمال هم مرز است و مرزهای جنوبی، شرقی و غربی آن محصور در خشکی است. همین امر باعث ارائه دکترین پتر کبیر (رسیدن روسیه به آب‌های گرم از طریق تصرف سرزمین کشورهای جنوبی نظیر ایران و افغانستان) در دوره روسیه تزاری و وقوع جنگ‌های ایران و روسیه شد. عدم دسترسی روسیه به آب‌های گرم مشکل بزرگی در ارتباطات

تجاری روسیه و نیز مانع تحرک نیروی دریایی روسیه شده است. ماهان در سال‌های پایانی قرن نوزده، به جغرافیای سیاسی آسیا توجه خاصی داشت. وی استراتژی روسیه را در آسیای جنوبی، ورود به سواحل اقیانوس هند از طریق افغانستان و ایران می‌دانست و در خاور دور، این استراتژی را تلاش روس‌ها در یورش به سوی جنوب از طریق منچوری و چین برای رسیدن به اقیانوس آرام توصیف می‌کرد (عزت‌ی، ۱۳۸۰: ۵۶). در بررسی پیشینه تاریخی این موضوع و ارتباط آن با ایران بررسی ریشه این معضل ژئوپلیتیک روسیه در سده‌های پیشین قابل توجه است: جنگ و استعمار برای دسترسی به آب‌های گرم (پاپلی‌یزدی، ۱۳۹۰: ۵۳)، موضوعی که سبب شد قرارداد سن‌پترزبورگ به‌عنوان اولین تهاجم روس‌ها به قلمرو ایران، به ایران تحمیل گردد (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۵۷).

۲-۶. ایدئولوژی نوظهور روسی

هویت روسیه در چهار عنصر قومیت، مذهب، نظام سیاسی و جغرافیا، یعنی ویژگی‌های خاص قوم روس - اسلاو، مذهب ارتدوکس، نظام استبدادی تزاری و مشخصات جغرافیایی آسیایی - اروپایی نهفته است (کرمی، ۱۳۸۹: ۳۷). ایدئولوژی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در طول تاریخ معاصر روسیه همواره بر سیاست خارجی این کشور تأثیر گذاشته است. امروزه ایدئولوژی غیرمارکسیستی (وطن‌پرستی و بیگانه‌ستیزی، بحران‌های هویت ملی و رادیکالیزه‌شدن مسلمانان روسیه) در سیاست خارجی این کشور یک مانع داخلی محسوب می‌شود. زیرا که، نوعی بحران هویت به وجود آورده است؛ نژادگرایی / افراط‌گرایی در حال ظهور، تبعیض اجتماعی و حکومتی و آزار و اذیت اقلیت‌های نژادی به‌ویژه علیه مردم قفقاز و آسیای مرکزی، از جمله این مسائل است (عمادی، ۱۳۸۹: ۷۲).

۲-۷. جمعیت

در روسیه عامل جمعیت به‌سوی فاجعه پیش می‌رود و به یکی از مهم‌ترین موانع داخلی تأثیرگذار بر سیاست خارجی تبدیل شده است. زیرا رؤیای قدرت بزرگ‌شدن دولت مردان روسی نمی‌تواند بدون داشتن منابع انسانی ماهر، پیشرفته و فراوان، تحقق

یابد. از سال ۱۹۹۵ تا اواسط سال ۲۰۰۷ جمعیت کل این کشور حدود ۶/۵ میلیون تن کاهش یافت و در ژانویه ۲۰۰۹ جمعیت این کشور به ۱۴۱/۹ میلیون تن رسیده است (عمادی، ۱۳۸۹: ۷۹). سرشماری سال ۲۰۱۰، جمعیت روسیه را ۱۴۱۲۰۰۰۰۰ نفر اعلام کرده است، در حالی که جمعیت آن در سال ۱۹۹۱ یکصد و چهل و هشت میلیون و سی صد هزار نفر و در سال ۲۰۰۰، یکصد و چهل و پنج میلیون و دویست هزار نفر بوده است. طبق پیش‌بینی رسمی سازمان جمعیت‌شناسی، تا سال ۲۰۳۰ میلادی در روسیه تنها یکصد و بیست میلیون نفر زندگی خواهند کرد (کرمی، ۱۳۹۰: ۴۲). در قیاس با کشورهای صنعتی میزان تولد در روسیه پایین و میزان مرگ و میر به‌ویژه در میان جامعه‌ی کارگری مردان شگفت‌انگیز است. متوسط عمر مردان روس ۵۹ سال است که ۵ سال پایین‌تر از میانگین ۴۰ سال پیش می‌باشد و ۱۳ سال پایین‌تر از متوسط عمر زنان روس می‌باشد که یکی از بزرگ‌ترین شکاف‌های سنی در جهان است (عمادی، ۱۳۸۹: ۷۹).

۸-۲. اسلام

در قلمرو شوروی، اسلام به‌سختی سرکوب و شالوده آن تقریباً نابود شده است. اسلام بیش‌تر به‌صورت نشانه‌ای از هویت فرهنگی و قومی و نه یک اعتقاد معنوی فعال برای اغلب مردم آسیای مرکزی تلقی می‌شد. فدراسیون روسیه پس از فروپاشی شوروی، همچون دیگر جمهوری‌های استقلال‌یافته در راه بازیابی هویت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و به‌ویژه دینی و مذهبی خود قرار دارد. مسلمانان پس از جدایی جمهوری‌های مسلمان از پیکره شوروی سابق نیز اقلیت عمده‌ای را در فدراسیون روسیه تشکیل می‌دهند. در صورت تداوم روندهای جمعیتی، ممکن است بر اهمیت عامل اسلامی افزوده شود. اسلام در دوره پسا‌شوروی از توسعه کمی و کیفی برخوردار گردیده و مسلمانان آزادی‌های مذهبی بیش‌تری نسبت به گذشته به‌دست آورده‌اند.

دین اسلام به‌عنوان دینی با قدمت و نیز مسلمانان روسیه با جمعیتی قابل توجه - نزدیک به بیست میلیون تن، منظره‌ای را پیش روی همگان قرار داده است که

در آن همه مردم روسیه به اسلام به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در آینده و سرنوشت روسیه بنگرند. در حوزه سیاست خارجی، روسیه در دوران پوتین نسبت به جهان اسلام توجه خود را افزایش داده است. پوتین هوشمندانه به این نتیجه رسید که اسلام نیروی تأثیرگذار در آینده دنیا خواهد بود. پوتین می‌خواهد موضوع اسلام در روسیه را از یک تهدید به یک فرصت تبدیل کند (صناعی، ۱۳۸۹: ۳۲).

اگرچه هویت قومی نقش پررنگ‌تری در بحران‌های قومی فدراسیون روسیه دارد اما اسلام انقلابی و نه صوفیانه، نیز در مواردی به عنوان نیروی محرکه این استقلال‌طلبی‌ها به‌کار رفته است، به‌خصوص در جمهوری‌های چچن، داغستان و تاتارستان. برای نمونه، وهابیت در چچن پس از جنگ اول با روسیه قدرت یافت. زمانی که در سال‌های ۶-۱۹۹۵ در جنگ علیه نیروهای روسیه شرکت فعال داشتند و در دوران پس از جنگ نیز پست‌های مالی کلیدی را در ساختارهای نظامی و سیاسی و مذهبی اشغال کردند. آن‌ها از حمایت‌های مالی عربستان سعودی برخوردار بودند و با جذب جوانان بیکار، آن‌ها را علیه روسیه برمی‌انگیختند. فعالیت‌های رادیکالی وهابی‌ها با مخالفت مسلمانان چچن، داغستان، اینگوش و پیروان اسلام صوفی مواجه شد و بر ناامنی و بحران در چچن دامن زد (معینی فر و خیری، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

۹-۲. موقعیت روسیه در منطقه کاسپین

دریای کاسپین از جمله مناطق استراتژیک جهان است. کشف منابع مهم نفت و گاز و قرارگرفتن به‌عنوان چهار راهی که چندین سیستم منطقه‌ای را به هم متصل می‌کند اهمیت ویژه‌ای به آن داده است. طول خط ساحلی این دریا ۷۰۰۰ کیلومتر است که حدود ۱۰۰۰ کیلومتر آن جزو سواحل ایران، حدود ۲۳۰۰ کیلومتر سواحل قزاقستان، ۱۶۴۲ کیلومتر سواحل ترکمنستان، ۸۲۵ کیلومتر سواحل آذربایجان و ۶۹۵ کیلومتر سواحل روسیه است (احمدپور و لشگری، ۱۳۸۹: ۶). منطقه دریای کاسپین بعد از خلیج پارس و سیبری، سومین منطقه نفتی جهان لقب گرفته است که به آن کویت جدید گفته‌اند (اطاعت و نصرتی، ۱۳۸۸: ۵). ذخایر نفت منطقه‌ی کاسپین را ۶۸ میلیارد بشکه تخمین زده‌اند که ۹۰ درصد آن بین مرزهای جنوبی آذربایجان تا مرزهای

قزاقستان قرار دارد. تا سال ۲۰۱۰ تولید نفت این منطقه به ۳/۴ میلیون بشکه در روز رسید (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۶).

جدول (۲). ذخایر نفت منطقه‌ی کاسپین (میلیارد بشکه)

کشور	ذخایر اثبات شده		ذخایر احتمالی	کل ذخایر	
	کمترین سطح	بالاترین سطح		کمترین سطح	بالاترین سطح
آذربایجان	۷	۷	۳۲	۳۹	۳۹
ایران	۰/۱		۱۵	۱۵/۱	
قزاقستان	۹	۴۰	۹۲	۱۰۱	۱۳۲
روسیه	۰/۳		۷	۷/۳	
ترکمنستان	۰/۵۵	۱/۷	۳۸	۳۸/۵۵	۳۹/۷
ازبکستان	۰/۳	۴۹/۷	۱۸۶	۲/۳	۲/۵۹
کل منطقه	۱۷/۲	۴۹/۷	۱۸۶	۲۰۳/۲	۲۳۵/۷

(اطاعت و نصرتی، ۱۳۸۸: ۵).

۳. ژنوم‌های جغرافیای مؤثر بر سیاست خارجی ایران

از جمله شاخص‌های مؤثر در فرآیند سیاست‌گذاری ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، همانا دارا بودن عوامل طبیعی، داشتن تنوع در مرزها، دسترسی یا عدم دسترسی به آب‌های آزاد، و تعداد همسایگان در مجموعه نظام بین‌الملل است که از آن به ژئوپلیتیک تعبیر می‌شود (گل‌وردی، ۱۳۸۹: ۱۱). هر واحد سیاسی با توجه به وزن ژئوپلیتیک و مقدرات ژنوم جغرافیایی به تعامل با دیگر واحدهای سیاسی می‌پردازند.

۳-۱. سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان و تنگه استراتژیک هرمز

دراختیار داشتن تنگه راهبردی هرمز و برخورداری از موقعیت گذرگاهی، ایران را مسلط به بهترین گلوگاه انرژی جهان گردانیده است. در صورت وقوع، عوامل مختلفی نظیر جغرافیا، انرژی، اقتصاد و امنیت درهم می‌آمیزند و موقعیت حساسی را به وجود می‌آورند (گل‌وردی، ۱۳۸۹: ۱۲).

یکی دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد ایران، دارا بودن مرز و ساحلی طولانی در خلیج فارس و دریای عمان است که ایران را به آب‌های آزاد متصل می‌کند. داشتن چنین ویژگی مهمی، ایران را نسبت به دیگر کشورهای همسایه و حتی منطقه جنوب غربی آسیا، متمایز کرده است. موقعیت خلیج فارس و دریای عمان در جنوب، بهترین موقع سیاسی را برای مرزهای جنوبی فراهم آورده است (اخباری و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۷۹).

۲-۳. تکثر قومی و تنوع زبانی

یک گروه قومی از آنرو با گروه‌های قومی دیگر مرزبندی دارد که هویتی متفاوت، خواه واقعی یا تصویری، برای خود قائل است و کمابیش بر اساس همین تمایز هویتی رفتار می‌کند. این مفروضه، گزاره‌ای مورد مناقشه نیست. نکته مهم مناقشه‌انگیز نحوه تأثیرگذاری این متغیر هویت‌بخش بر سیاست خارجی است (حق‌پناه، ۱۳۹۰: ۸۴).

اگرچه بیش‌تر حرکت‌های تجزیه‌طلبانه در محدوده سرزمینی کشورها محصور است اما وقتی که حکومت‌ها نتوانند به نیازها و تقاضاها پاسخ مناسب دهند و یا نتوانند به طریق مناسب به سرکوب یا مهار تجزیه‌طلبان اقدام کنند، گرایش به کسب حمایت خارجی، به‌ویژه از سوی کشورهای همسایه و گروه‌هایی که با آنها وابستگی قومی، نژادی و یا مشترکات فرهنگی دارند تقویت می‌شود.

اتحاد بین گروه‌های محلی و ناحیه‌ای ناراضی و بازیگران خارجی موجب درهم‌بافته شدن تهدیدات داخلی و خارجی می‌شود و در نتیجه، مدیریت امنیت ملی را با مشکل مواجه می‌سازد. ایران به‌طور طبیعی دارای تکثر قومی است و یکی از ناهمگن‌ترین کشورهای خاورمیانه به حساب می‌آید (عزتی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳). تنوع فرهنگی و قومی از ویژگی‌های جامعه ایران است (نواح و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۸). بطوریکه از منظر ناهمگنی زبانی، در شمار ده کشور نخست دنیا و اولین کشور در هسته جهان اسلام شمرده می‌شود.



جدول (۳). جمعیت و ترکیب قومی ایران

ردیف	قومیت	زبان	درصد در ایران	جمعیت در ایران
۱	فارس	فارسی (پارسی)	۳۴.۵	۲۴ ۶۵۰۸۲۹
۲	آذری	ترکی آذری	۲۵.۷	۱۸۴۹۶۲۹۰
۳	کرد	کردی	۱۰	۷۱۹۷۰۰۰
۴	لر و بختیاری	لری و بختیاری	۸	۵۷۵۷۶۰۰
۵	عرب	عربی	۴.۸	۳۴۵۴۵۶۰
۶	مازندرانی	مازندرانی	۴.۴	۳۱۶۶۶۸۰
۷	گیلکی	گیلکی	۳.۲	۲۳۰۳۰۴۰
۸	بلوچ	بلوچی	۳	۲۱۵۹۱۰۰
۹	کرد	کرمانجی خراسان	۲	۱۵۰۱۳۷۰
۱۰	ترکمن	ترکمنی	۱.۲	۸۶۳۶۴۰
۱۱	تالشی	تالشی	۱	۶۹۹۱۰۰
۱۲	قشقایی	ترکی قشقایی	۰.۸	۵۷۵۷۶۰
۱۳	دیگران	دیگران	۱.۵	۱۰۱۸۱۸۰
جمع	-	-	۱۰۰	۷۱۹۷۰۰۰

Source: <http://projects.publicintegrity.org>

۳-۳. قدرت نرم مرکزیت فرهنگی

قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و منابع یک کشور چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی اطلاق می‌شود که به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد (هرسیج و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۲۶). قدرت نرم هر کشوری از سه منبع سرچشمه می‌گیرد: فرهنگ (بخش‌هایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش‌های سیاسی (زمانی که منطبق با افکار عمومی داخل و خارج باشد)، و سیاست خارجی (زمانی که مشروع و اخلاقی تلقی شود). پیوندهای قومی، مذهبی و زبانی با کشورهای همجوار، شبکه‌های خبری و رسانه‌ای مانند العالم، جام‌جم، پرس‌تی‌وی، ظرفیت بالای توریست‌پذیری، قرابت مذهبی با ۱۵ کشور خاورمیانه، مهد تشیع و مرکزیت جهان شیعه، هویت فراملی و فرامرزی زبان فارسی (حق‌پناه، ۱۳۸۸: ۲۶۲)، از جمله ظرفیت‌های قدرت نرم ایران است. مضمون ایدئولوژیک پایه شیعه‌گرایی، از دیگر عناصر قابل توجه در افزون‌سازی قدرت نرم ایران است. ایران

به‌عنوان پایگاه اصلی تشیع در خاورمیانه محسوب می‌شود. بعد از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، قدرت معنویت و نقش مذهب شیعه در تحولات مذهبی خاورمیانه مشخص‌تر شده است (قصاب‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۲۹). سیاست‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تنوعات اجتماعی و افزایش همبستگی ملی بر بنیاد سیاست تکثرگرایی وحدت‌طلب دینی بنا شده است (ترابی، ۱۳۸۸: ۱۵۲). انقلاب اسلامی ایران مهم‌ترین جرقه آغاز خیزش و تقویت شیعه را به وجود آورد و شیعیان در کشورهای مختلف منطقه، آن را نقطه امید و ایران را مأمونی برای خود تصور کردند (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۶۲).

۳-۴. وسعت سرزمینی و فضاهاى خالی گسست‌آفرین در مرکز

بناات‌ترین عامل قدرت یک کشور، جغرافیای آن کشور است. عوامل جغرافیایی چون وسعت، شکل، موقعیت، وضع جغرافیایی، ناهمواری‌ها، منابع آب با قدرت دولت رابطه مستقیم دارند. هر یک از عوامل بدون در نظر گرفتن عوامل مرتبط دیگر ممکن است نه تنها عامل مثبت بلکه نقش یک عامل منفی را ایفا کنند. هر جا که سرزمین‌های بی‌حاصل و گسترده مراکز جمعیت را از هم جدا کند، وسعت قلمرو یک دولت می‌تواند به صورت مانعی درآید، مگر این‌که وسایل ارتباطی مناسب گسترش یافته باشند (اعظمی، ۱۳۸۵: ۱۳۰). کشور با توجه به ضعف شبکه ارتباطی و قطبی شدن راه‌ها تحت تأثیر ساختار توپوگرافیک و گسیختگی‌های فضایی و ساختار سیاسی متمرکز و نظام حکومتی مرکز‌گرا، وضعیت مناسبی برای معاشرت ملی برخوردار نیست. در این سیستم که ساختار فضایی آن شعاعی و به مرکزیت تهران است، از آغاز به‌گونه‌ای طراحی شده است که همه‌ی بخش‌ها و سکونت‌گاه‌ها را به تهران متصل سازد و ارتباطات بین منطقه‌ای چندان مورد توجه نبوده است. این الگوی ستاره‌ای باعث شده است محورهایی که مناطق حاشیه‌ای دوردست را به مرکز متصل می‌کنند، ظرفیت کافی برای برقراری ارتباط میان این مناطق با تهران نداشته باشند؛ به همین دلیل حضور فعال مردم جوامع دوردست، نظیر بلوچستان، هرمزگان، کردستان، ایلام در تهران اندک است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۸۵). ضعف روند تحول در زمینه توسعه

شبکه ارتباطی، بستری مناسب برای انزوای نسبی قلمروهای کردنشین بوده است. شبکه راه آهن ایران از نقطه نظر سازمان فضایی، قطبی است. شش شعاع اصلی با مرکزیت تهران به شمال، شمال خاوری، شمال باختری، جنوب و جنوب غربی و اخیراً ششمی به سوی جنوب خاوری کشیده شده است. در این میان، باختر کشور شامل استان های کردستان، همدان، کرمانشاه و ایلام فاقد هرگونه خط ریلی هستند؛ راه آهن قطور نیز هیچ یک از کانون های شهری آذربایجان غربی را پوشش نمی دهد. هرچند وضعیت توپوگرافیک زاگرس شمالی و میانی، توجیه طرح های ریلی از نظر هزینه های بالای آن را مشکل می سازد، اما واقعیت آن است که چنین خطی علاوه بر توجیه سیاسی - امنیتی، از نقطه نظر پیوند فضا های فعالیت سه کشور ایران، ترکیه و عراق، شرایط ایده آلی به تصویر می کشد (کریمی پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

۳-۵. پیشینه تاریخی و فرهنگی غنی

پیشینه دولت در فضای جغرافیایی فلات ایران به اوایل قرن هشتم پیش از میلاد بازمی گردد. شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی باعث شد که اقوام ایرانی متحد شوند و نخستین دولت فراگیر را با نام دولت ماد و به مرکزیت هگمتانه تشکیل دهند (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۱۷).

منظومه فرهنگی ایران، محصول چند هزار ساله ملتی کهن و برآیند تعامل جمعی گروه های قومی است که هویت فرهنگی ایران را شکل بخشیده اند و هر یک به سهم خود بر آن لایه هایی گوناگون با مؤلفه های مثبت و منفی افزوده اند و در نهایت، در این هویت کلان فرهنگی مستحیل و خود بخشی از آن شده اند. هویت فرهنگی ایران چتر گسترده و فراگیری است که همه ی اقوام و گروه های قومی را در خویش جای داده است. از ویژگی های تاریخی ایران می توان به تنوعات فرهنگی و اجتماعی اشاره کرد که با این وجود همه گروه ها در اغلب ادوار تاریخی با همدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته اند و هویت ایرانی بودن، آنان را در صف متحدی قرار داده است. به یک تعبیر، ایرانیان مردمی هستند که با دیگران تفاوت فاحشی دارند؛ آنان از پیوند نژادهای مختلف به وجود آمده اند، ولی هویت خود را نگه داشته اند. این قوم

اندیشه‌ها و منافع خود را به هم پیوسته و همانند یک تنه، به هم تنیده‌اند، به نحوی که هریک از آن تاروپود می‌تواند کشیده و دراز شود، بدون آن که به هم گره بخورند (ترابی، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

۳-۶. موقعیت نسبی و محوریت در نظریه‌های ژئوپلیتیک

بر اساس نظریه مکیندر شمال ایران جزء ناحیه محوری هارتلند و دیگر قسمت‌ها جزء هلال داخلی (حاشیه‌ای) می‌باشد (زین‌العابدین، ۱۳۸۹: ۵۲) بر اساس نظریه اسپایکمن، ایران در محدوده سرزمین حاشیه یا ریملند قرار دارد. به اعتقاد وی، این منطقه امکان ترکیب قدرت بری و بحری را بهتر فراهم می‌سازد. از طرف دیگر بیش‌ترین منابع نیروی انسانی و سهولت ارتباط در این بخش از جهان وجود دارد (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۴). بر اساس نظریه برژینسکی، آمریکا منطقه خلیج فارس را بعد از اروپا و آمریکا، سومین خط دفاعی استراتژیک خود محسوب می‌کند. بنابراین کنترل مناطق و نقاط استراتژیک، به ویژه تنگه هرمز، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از مهم‌ترین مبانی اهمیت و موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک خلیج فارس ذخایر عظیم نفت و گاز آن است. حدود ۶۶ درصد ذخایر شناخته شده نفت جهان در این منطقه قرار دارد و حدود ۶۰ درصد نفت جهان از تولیدات نفتی هشت کشور نفتی خلیج فارس تأمین می‌شود (نامی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴).

۳-۷. ماهیت تحمیلی مرزهای سیاسی

ماهیت و فضای مسلط بر قراردادهای و معاهداتی نظیر عهدنامه گلستان، عهدنامه ترکمنچای، قرارداد آخال، معاهدات ارزروم اول و دوم، حکمیت‌های سه‌گانه تعیین مرز در شرق کشور، ماهیت تحمیلی مرزهای ایران را محرز و مشخص می‌نماید که گواه آن، گسترش فرامرزی قومیت‌ها و شاخه‌های زبانی ایرانی می‌باشد. وضعیت مرزهای ایران نشان می‌دهد که این مرزها همراه با تحولات بین‌المللی در دو قرن نوزده و بیست و با کاهش قدرت سلسله قاجار روندی انقباضی داشته، بخش‌های وسیعی از کشور در شمال و شرق ایران جدا شده و در گذشته به تصرف امپراتوری‌های مجاور، روسیه و انگلیس درآمده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۶۸). در

محدوده مرزهای دریایی وجود مرزهای تعریف نشده بین ایران با عراق، کویت، امارات در خلیج فارس و ایران و پاکستان و امارات و عمان در دریای عمان و ایران، روسیه، ترکمنستان، آذربایجان و قزاقستان در دریای کاسپین، چونان چالش جدیدی در برابر ایران خودنمایی می‌کند. دریای کاسپین در شمال مرکزی ایران قرار گرفته است. قزاقستان در شمال، ترکمنستان در شرق، آذربایجان در غرب و روسیه در شمال غرب آن واقع شده است. وسعت آن ۶۰۰۰۰ کیلومترمربع است. عمیق‌ترین بخش این دریا در ساحل ایران قرار دارد (احمدپور و لشگری، ۱۳۸۹: ۴). طول ساحل ایران در این دریا ۶۵۷ کیلومتر است. این دریا تا قبل از فروپاشی شوروی به‌عنوان دریای ایران/ شوروی شناخته می‌شد. بعد از فروپاشی شوروی، سهم ایران و روسیه کاهش پیدا کرد. وجود منابع نفت و گاز و منابع غذایی دریایی به اهمیت این دریا افزوده است.

۴. تحلیل یافته‌ها

بررسی تاریخ روابط ایران و روسیه نشان می‌دهد که دو کشور در شرایط تاریخی با دیدگاه‌های متفاوت به یکدیگر نگریسته‌اند. ایران در نزد روسیه و روسیه در نزد ایران از زمانی مورد توجه خاص قرار گرفتند که پترکبیر دکتربزرگ معروف خود را مبنی بر ضرورت دسترسی به آب‌های گرم بیان کرد. در آن زمان روسیه شروع به گسترش قلمرو خود و کشورگشایی نموده و در نزد همسایگان جنوبی به تهدیدی خطرناک و جدی و کشوری غیرقابل اعتماد تبدیل شد (باباجانی، ۱۳۹۰: ۲).

آنچه مایه شکل‌گیری اولین ارتباطات دو کشور شد اهمیت ژئوپلیتیک ایران برای روسیه بوده است. این نگاه نابرابر تا دوره پهلوی دوم که ژئوپلیتیک روسیه تا اندازه‌ای برای حکومت وقت مهم می‌شود، ادامه یافت؛ به طوری که می‌توان سایه سنگین مساحت، همسایگی و قدرت اتمی شوروی را بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران مشاهده نمود. اما پس از انقلاب اسلامی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی نه بر اساس منافع ملی و برگرفته از ژنوم‌های ژئوپلیتیک خود و کدهای ژئوپلیتیک روسیه، بلکه بیش‌تر بر مبنای نیازهای تکنولوژیک و حمایت

سیاسی روسیه از ایران شکل گرفته است و بر عکس، سیاست خارجی روسیه در قبال ایران متأثر از وزن ژئوپلیتیک خود و کدهای ژئوپلیتیک ایران بوده است. بر این اساس دستاورد این پژوهش، دو بخش است:

الف) سیاست خارجی ایران در برابر روسیه (متأثر از ژنوم‌های ژئوپلیتیک ایران و کدهای ژئوپلیتیک روسیه)

سیاست خارجی ایران در قبال روسیه متأثر از جایگاه ایران در نظام بین‌الملل و قطع ارتباط سیاسی با آمریکا است. بنابراین، آن‌چنان که شایسته بوده، نتوانسته است بر مؤلفه‌های ژنومی خویش و کدی روسیه استوار باشد. تحلیل زیر طرحی از سیاست خارجی ایران است که می‌تواند در قبال روسیه تأمین‌کننده منافع ملی ایران باشد.

سیاست خارجی برآمده از ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر مساحت، قومیت و بحران‌های قومی (کدهای ژئوپلیتیک روسیه)

روسیه پهناورترین کشور جهان است که این امر هم مزیت و هم نوعی ضعف ژئوپلیتیک روسیه است. وسعت روسیه عمق استراتژیک آن را زیاد می‌کند، اما ضامن بقای فدراسیون روسیه نیست؛ چراکه روسیه، کشوری با قومیت، مذهب و زبان یک‌دست نیست. کشوری فدراتیو است که شامل جمهوری‌ها و مناطق فدرال است که تا حدودی در اداره خویش آزاد هستند. اکثر این جمهوری‌ها اشتراکات فرهنگی با روسیه ندارند بلکه یا دنباله فرهنگی خارج نزدیک روسیه هستند و یا پیوندهای فرهنگی با کشورهای همسایه دارند. همین امر به آسیب‌پذیری تمامیت ارضی آن افزوده است. ایران می‌تواند با تأکید بر ژنوم قدرت نرم، تکثر قومی / زبانی و اسلام (ژنوم‌های ژئوپلیتیک)، بر تمامیت ارضی روسیه و بحران‌های قومی آن مؤثر باشد. در داخل روسیه جمهوری‌های چچن، داغستان، تاتارستان، اوستیای شمالی که اکثریت جمعیت آن‌ها بومی هستند یا پیوندهای نژادی و زبانی با ایران دارند و یا اشتراکات مذهبی و یا دنباله‌های قومی آن‌ها در خارج نزدیک روسیه است و یا بخشی از جمعیت آن‌ها دنباله‌های قومی خارج نزدیک روسیه هستند، در معرض

خطر تجزیه‌شوندگی قرار دارند. چنانچه ایران از این توان ژئوپلیتیک خود استفاده نماید می‌تواند با حمایت از جنبش‌های اسلامی و قومی در جمهوری‌های فدراسیون روسیه که ماهیت استقلال‌طلبانه دارند تجزیه فدراسیون روسیه را سرعت بخشد. سیاست خارجی برآمده از ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر خارج نزدیک روسیه (کدهای ژئوپلیتیک روسیه)

خارج نزدیک روسیه به سرزمین‌هایی گفته می‌شود که بعد از فروپاشی شوروی مستقل شدند. روسیه پس از فروپاشی شوروی برای جذب سرمایه‌های غربی، سیاست مسامحه و پذیرش ضمنی حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و خارج نزدیک خود را پذیرفت. اما دیری نپایید که پی برد بی‌ثباتی در مناطق ژئوپلیتیک نزدیک روسیه، باعث به‌خطرافتادن منافع روسیه و ازدست‌رفتن کشورهای آسیای مرکزی که حیات خلوت روسیه هستند می‌شود. به همین خاطر روسیه سعی نمود با ارتباط بیش‌تر با ایران و عربستان تا حدودی از حمایت این کشورها از بنیادگرایی و نفوذ آن‌ها در آسیای مرکزی و جمهوری‌های روسیه بکاهد (علی‌زاده و بردبار، ۱۳۸۶: ۴۶). در این میان ایران به‌عنوان یک رقیب جدی منافع روسیه را در خارج نزدیک تحدید می‌کند. ایران یکی از کهن‌ترین و ماندگارترین کشورها در طول تاریخ بوده است که تا ۳ قرن پیش، وسعت مساحت آن تقریباً ۳ برابر وسعت امروزی بوده‌است. بسیاری از سرزمین‌هایی که امروزه به‌عنوان خارج نزدیک روسیه محسوب می‌شوند بخشی از خاک ایران بوده‌اند (مجتهدزاده و رشیدی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۷).

این پیوند تاریخی / فرهنگی در تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، آذربایجان و سرزمین‌های قفقاز شمالی چشمگیر است؛ به‌طوری‌که، تاجیک‌ها، آذری‌ها، تات‌ها، اوستی‌ها و کردهای ساکن در این مناطق بخشی از اقوام ایرانی هستند و زبان آن‌ها شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی است. همه آن‌ها مسلمان و در مواردی مانند آذربایجان قرابت مذهبی با ایران دارند. استفاده مناسب ایران از این ظرفیت تاریخی / فرهنگی و مذهبی می‌تواند ایران را جایگزین روسیه در آسیای مرکزی کند و چه بسا زمینه پیوندهای گسترده‌تر و احیای امپراتوری فرهنگی ایران را فراهم کند.

سیاست خارجی برآمده از ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر موقعیت روسیه در دریای کاسپین (کداهای ژئوپلیتیک روسیه)

دریای کاسپین در چهارراهی واقع شده است که چندین سیستم منطقه‌ای را به هم متصل می‌کند: اروپا و خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی. به همین دلیل هم برای کشورهای همسایه آن و هم برای قدرت‌های جهانی اهمیت استراتژیک پیدا کرده است (احمدپور و لشگری، ۱۳۸۹: ۵)؛ به خصوص که بر اهمیت ذخایر هیدروکربنی آن مسائل امنیتی نیز افزون شده است.

ایران در بهره‌برداری از منابع دریای کاسپین با محدودیت‌هایی روبرو است که مهم‌ترین آن‌ها عدم داشتن دانش فنی لازم (وجود عمیق‌ترین بخش دریای کاسپین در آب‌های ایران)، تمایل روسیه به نظرات سه کشور قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان و ورود آمریکا و کشورهای فرامنطقه‌ای به مسائل دریای کاسپین است. آنچه باعث انفعال ایران در موضوع دریای کاسپین شده، قطع ارتباط با آمریکا و نیاز به حمایت سیاسی روسیه در نظام بین‌الملل است. ایران با یک دید واقع‌گرایانه به نظام بین‌الملل می‌تواند موقعیت نظامی خود را در دریای کاسپین افزایش دهد و با بهبود مناسبات با کشورهای غربی، توان فنی خود را در بهره‌برداری از منابع کاسپین افزایش دهد. این امر به تضعیف موقعیت روسیه در این دریا کمک می‌کند.

سیاست خارجی برآمده از ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر سیاست انرژی روسیه (کداهای ژئوپلیتیک روسیه)

پوتین تصمیم خود به استفاده از انرژی به عنوان سلاح سیاسی را در سند «راهبرد انرژی روسیه تا سال ۲۰۲۰» علنی کرد. در این سند منابع انرژی «منبایی برای توسعه اقتصادی و سازوکاری برای تنظیم سیاست داخلی و خارجی» ارزیابی و در آن تأکید شده است که نقش روسیه در بازار جهانی انرژی تا حدود زیادی نفوذ ژئوپلیتیک آن را در عرصه‌ی بین‌الملل مشخص می‌کند (نوری، ۱۳۸۶: ۲۹). استفاده سیاسی روسیه از گاز باعث شد تا اروپا به فکر تأمین گاز مورد نیاز از منابعی به غیر از روسیه باشد. به همین دلیل از طرح ناباکو که توسط پنج شرکت غیردولتی برای

انتقال گاز کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه ایجاد شده بود حمایت کرد. ایران با این که دومین ذخایر گازی جهان را پس از روسیه دارد به دلیل مخالفت آمریکا، نداشتن دانش فنی و قوانین مجلس نتوانست از طرح استفاده کند (حجت‌شمامی، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۲). خط لوله باکو- جیحان نیز باعث عدم استفاده ایران از ظرفیت ژئوپلیتیک خود شد. عدم توانایی ایران در استفاده از منابع گاز و ژئوپلیتیک، به رابطه این کشور با قدرت‌های غرب اروپا و موضوع پرونده هسته‌ای ایران و مواضع دولت نهم برمی‌گردد. با حل شدن مسئله هسته‌ای، اصلاح قوانین مجلس و پی‌گیری منافع ملی ایران، می‌توان از توان فنی اروپا و نیز حمایت سیاسی قدرت‌های غربی برای صدور گاز ایران به اروپا استفاده نمود. این امر می‌تواند دیپلماسی انرژی روسیه را کم‌اثر کند و از توان سیاسی آن بکاهد.

سیاست خارجی برآمده از ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر قدرت اتمی روسیه (کدهای ژئوپلیتیک روسیه)

ایران در منطقه پر آشوب خاورمیانه واقع شده و در میان بازیگران هسته‌ای هند، پاکستان، اسرائیل و روسیه گرفتار شده است. بنابراین رسیدن به آن سطح از تکنولوژی هسته‌ای که موازنه قدرت را برقرار کند، اجتناب‌ناپذیر است. آنچه تاکنون مانع رسیدن ایران به این خواسته ملی واقع‌گرایانه شده قطع رابطه ایران با آمریکا و نوع نگاه ایران به اسرائیل است.

با تغییر شرایط و راه یافتن ایران به مجموعه کشورهای هسته‌ای، موقعیت روسیه به عنوان یک کشور هسته‌ای تضعیف خواهد شد. اگرچه سربرآوردن یک قدرت اتمی در منطقه‌ی اورآسیا از هژمونی آمریکا و غرب در این مناطق خواهد کاست و حاشیه امنیتی امنی را در جنوب، برای روسیه ایجاد می‌کند، با این حال نگرانی‌های روسیه را برطرف نمی‌کند؛ چراکه، این حاشیه امنیتی در گرو تداوم قطع ارتباط سیاسی ایران با آمریکا است.

ب) سیاست خارجی روسیه در قبال ایران (متأثر از ژنوم‌های ژئوپلیتیک روسیه و کدهای ژئوپلیتیک ایران)

برخی تحلیل‌گران و به‌ویژه تحلیل‌گران روسی، ایران را تهدیدی برای روسیه می‌دانند. از این دیدگاه، یک ایران قدرتمند که آسیای مرکزی، قفقاز و خزر را در سند چشم‌انداز بیست‌ساله، حوزه حیاتی خود می‌داند، می‌تواند تهدیدی جدی برای منافع و نفوذ روسیه در این حوزه باشد؛ منطقه‌ای که روسیه آن را «خارج نزدیک» و اولویت نخست سیاست خارجی خود می‌داند. موقعیت ایران طبق اکثر نظریه‌های ژئوپلیتیک، کشوری بسیار مهم است که کمیت و کیفیت رابطه با آن می‌تواند تأثیر بسزایی در قدرت ملی کشورهای مقابل داشته باشد. مؤلفه‌های فوق باعث شده است تا سعی روسیه در استفاده از ژنوم‌های ژئوپلیتیک خویش و تمرکز بر کدهای ژئوپلیتیک ایران باشد تا از ظهور یک قدرت بزرگ در مرزهای جنوبی خود جلوگیری کند. این سیاست روسی، تحلیلی است از تقابل ژنوم‌های ژئوپلیتیک روسیه و کدهای ژئوپلیتیک ایران.

سیاست خارجی برآمده از ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر پرونده هسته‌ای ایران (کدهای ژئوپلیتیک ایران)

روسیه یکی از کشورهای عضو دائم شورای امنیت است که جزء کشورهای هسته‌ای نیز هست. این کشور بعد از انقلاب به دلیل طرف قرارداد بودن در ساخت نیروگاه بوشهر، بازیگر اصلی خارجی در گسترش برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران است. با این وجود در رأی‌گیری‌های شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای ایران رأی به تحریم‌های هدفمند داده است و از طرفی با تعدیل کردن تحریم‌های ایران مانع اوج‌گیری مشاجره پرونده هسته‌ای ایران شده است.

اگرچه موضوع ساخت نیروگاه بوشهر از پرونده هسته‌ای ایران جداست ولی واقعیت این است که روسیه به لحاظ سیاسی این دو مسأله را شدیداً به هم گره داده است و ظاهراً تا زمانی که پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل خاتمه نیابد، مایل به اتمام پروژه بوشهر نیست. این نیروگاه که قرار بود در هشتم

ژوئیه ۱۹۹۹ تکمیل شود، تاریخ بهره‌برداری از واحد اول آن ۱۰ سال به تعویق افتاده است (مجتهدزاده و رشیدی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۵). روسیه از یک طرف خود را شریک نگرانی‌های غرب در برخورداری ایران از چرخه سوخت هسته‌ای و دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌داند و قطعنامه‌های صادره علیه ایران را در شورای امنیت امضا می‌کند و از طرفی نقش خود را تعدیل‌کننده تحریم‌ها عنوان می‌کند.

روس‌ها به دنبال طولانی‌شدن بحران هسته‌ای ایران هستند چراکه یک ایران هسته‌ای خطر جدی برای روسیه است؛ آن‌چنان‌که کاراگانف، با صراحت در تهران اظهار داشت که اگر ایران هسته‌ای شود، مسکو موشک‌های خود را به سمت تهران نشانه‌گیری می‌کند. آن‌ها معتقدند که ممکن است آمریکا با یک ایران هسته‌ای کنار بیاید و آن‌گونه که برخی از آمریکایی‌ها می‌نویسند، یک ایران هسته‌ای مسئولانه‌تر عمل می‌کند و در نتیجه، راه برای توافق باز شود و روسیه در مقابل ایران هسته‌ای تنها بماند. به تعبیری روسیه ۳۰ میلیون مسلمان دارد و اگر ایران هسته‌ای شود، قسمت جنوبی روسیه محتملاً به مخاطره خواهد افتاد (کرمی، ۱۳۸۹: ۱۸۷).

سیاست خارجی برآمده از ژنومهای ژئوپلیتیک مؤثر بر موقعیت ایران در دریای کاسپین (کدهای ژئوپلیتیک ایران)

از دید روسیه یک اتحاد غیررسمی میان آمریکا، ترکیه و آذربایجان می‌تواند موقعیت این کشور را تضعیف کند. بنابراین مسائل امنیتی دریای کاسپین از اهمیت بیش‌تری برای روسیه برخوردار است. قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ به‌خوبی تأمین‌کننده نیازهای امنیتی روسیه بودند. به‌همین دلیل روسیه تا ۱۹۹۸ بر اعتبار این پیمان‌ها و لزوم تداوم رژیم حقوقی مبتنی بر مشاع‌بودن دریای کاسپین تأکید می‌کرد. حمایت غرب از ترکمنستان و آذربایجان و کشف منابع نفت و گاز باعث تغییر نگرش روسیه شد. این کشور برای جلوگیری از پناه‌بردن ترکمنستان و آذربایجان به آمریکا در صدد انعقاد پیمان دوجانبه با این دو کشور برآمد و عملاً ایران را منفعل کرد (مجتهدزاده و رشیدی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۵). علاوه بر اقدامات دیپلماتیک، حضور نظامی روسیه در دریای کاسپین نیز قابل توجه است. رزمایش نظامی بزرگ روسیه در بهار سال ۲۰۰۲ که در

آن ۶۰ رزمنو، ۳۰ هوایما و ده هزار نفر ار کارکنان نیروی دریایی روسیه شرکت داشتند یک نمایش قدرت برای تحمیل الگوی رژیم حقوقی مورد نظر خود به همسایگانش بود (سلیمانی پورلک و شجاعی، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

سیاست خارجی برآمده از ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر اقوام و تمامیت ارضی ایران (کدهای ژئوپلیتیک ایران)

روسیه کشوری است که از اقوام متعدد تشکیل شده است. به‌همین دلیل برای اداره بهتر جامعه، نظام فدرالی را انتخاب کرده است. ایران نیز مانند روسیه از اقوام متعدد تشکیل شده با این تفاوت که اقوام ایران از خانواده ایرانیان و زبان آن‌ها اگرچه متفاوت است با اشتراکات زیاد، از مجموعه زبان‌های ایرانی هستند. نظام ایران بر خلاف روسیه، جمهوری و متمرکز است. روسیه می‌تواند با تأکید بر امتیازات نظام فدرالی، به طرزی نهفته، سبب تحریک برخی از اقوام ایرانی جهت کسب امتیازاتی مانند خودمختاری خواهی برآید.

سیاست خارجی برآمده از ژنوم‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر دیپلماسی و ترانزیت انرژی ایران (کدهای ژئوپلیتیک ایران)

ایران دومین ذخایر گاز جهان را پس از روسیه دارد. ولی به دلایلی توان بهره‌برداری از این ذخایر را ندارد و هر ساله بخشی از گاز مورد نیاز خود را وارد می‌کند. ایران، از دیگرسو، به کانون بالقوه ارتباط‌های بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل شده است. بیش‌تر کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، محاط در خشکی هستند و کشورهای دیگر جهان که مایل به گسترش مناسبات با آسیای مرکزی و قفقاز هستند، چاره‌ای جز استفاده از راه‌های ایران، روسیه، ترکیه، چین و افغانستان ندارند (احمدپور و لشگری، ۱۳۸۹: ۹).

روسیه با آگاهی از محدودیت ایران در استفاده از توان ژئوپلیتیک خود، از تمام توان خود در عرصه سیاسی و ژئوپلیتیک استفاده نموده است تا با ترانزیت نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی، مانع محوریت ایران در ارتباط این کشورها با بازارهای جهانی شود؛ نیز، مانع پیوستن ایران به طرح ناباکو گردد. همچنین این

کشور با سرمایه‌گذاری در صنعت گاز به خصوص آلان‌جی قصد دارد در طرح اوپک گازی، ایران را به حاشیه براند.

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی ایران و روسیه، از تقابل کد/ژنوم‌های ژئوپلیتیک، تأثیر پذیرفته و رفتارهای دو کشور را نسبت به همدیگر، شکل داده است. زمینه‌های تقابل، تاریخی است و می‌توان از روزگارانی سخن به میان آورد که اکنون به تاریخ پیوسته است. وقوع انقلاب اسلامی و فروپاشی شوروی، دو رخداد دگرگون‌کننده‌ای بود که به‌طرزی همزمان تاریخ و ایدئولوژی و جنگ سرد را به چالش کشید و نشانه‌هایی از آغاز یک عصر تازه در تقابل/تعامل میان ایران و روسیه را پدیدار ساخت. انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران را آرمان‌گرا ساخت و فروپاشی شوروی، روسیه را به آوردگاهی غیرایدئولوژیک، داخل نمود. اکنون، کد/ژنوم‌های مبتنی بر پایه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر، ژئواتمیک، هیدروپلیتیک و ژئواستراتژیک، سیاست خارجی دو کشور ایران و روسیه را بیش از پیش، به همدیگر وابسته ساخته است؛ آمیختگی نوعی نیاز ناچار و نفرت تاریخی، دو کشور را در میان انواع پیچیدگی‌ها، اسیر ساخته است تا جایی که، نه می‌توانند و نه می‌خواهند و نه می‌بایست مشی مستقلانه‌ای را در روابط خارجی خود، پیشه سازند. هر دو کشور، اکنون به نحوی شگفت‌آور، به هم وابسته شده‌اند؛ نه از سر علاقه، بلکه از سر نیاز. کدهای ژئوپلیتیک روسیه به همراه ژنوم‌های ژئوپلیتیک ایران، فرصتی تاریخی برای ایران فراهم آورده است تا بتواند با واقع‌نگری، خود را از بند گروگان‌گیرانه روس‌ها، نجات بخشد. کدهای ژئوپلیتیک ایران، به همراه ژنوم‌های ژئوپلیتیک روس‌ها، چندان سودی برای روس‌ها در بازیگری‌شان در نظام بین‌الملل، نمی‌تواند داشته باشد. در واقع، ایرانی‌ها، به آرامی از بند روس‌ها، درآمده‌اند و دیگر گروگان سیاست خارجی پیچیده روسیه، نیستند. روس‌ها، نه از سر آرمان‌خواهی، بلکه از سر ناچاری، ایران را به کشوری گذرگاهی تبدیل ساخته‌اند تا از راهروی آن و با در زنجیر ساختن آن،



شوکت و شکوه گذشته خود را بازآفرینی کنند. از منظر دو نگاه گزلفاشافتی و گماین شافتی به روابط ایران و روسیه نشانگر آن است که هم از دیدگاهی تاریخی و فرهنگی و هم از منظر کارکردی، سیاست خارجی ایران و روسیه، ویژگی کناکشی دارند و کش و قوس میان کد/ژنوم‌های دو کشور، به شیوه بازیگری آن‌ها نسبت به همدیگر و نسبت به دیگر بازیگران قدرتمند نظام بین‌الملل، وابسته شده است.

احمدی، عباس و حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، «موانع و شیوه‌های بازدارنده‌ی تجدید حیات شیعه در جهان»، شیعه شناسی، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان.

احمدپور، زهرا و لشکری تفرشی، احسان (۱۳۸۹)، ژئوپلیتیک دریای خزر، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

اخباری، محمد و نامی، محمدحسن (۱۳۸۸)، جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

اطاعت، جواد و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۸۸)، «ایران و خطوط انتقال انرژی حوزه‌ی خزر»، مطالعات اورآسیای مرکزی، سال دوم، شماره ۳، زمستان و بهار، صص ۱-۲۲.

اعظمی، هادی (۱۳۸۵)، «وزن ژئوپلیتیک و نظام قدرت منطقه‌ای (بررسی موردی: جنوب غربی آسیا)»، ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره سوم و چهارم، پاییز و تابستان.

باباجانی، مصطفی (۱۳۹۰)، «ایران و روسیه در دوره تزارها»، ایراس، شماره ۳۲، فروردین و اردیبهشت.

پاپلی یزدی، محمدحسین و وثوقی، فاطمه (۱۳۹۰)، نگاهی به دیپلماسی آب ایران: هیدروپلیتیک، مشهد: پاپلی.

ترابی، یوسف (۱۳۸۸)، «سیاست‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تنوعات اجتماعی»، دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان.

حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۸)، «هلال شیعی؛ فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا»، *دانش سیاسی*، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: سمت. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: پاپلی. حجت‌شمامی، رضا (۱۳۸۸)، «ناباکو؛ از حرف تا عمل»، *ایراس*، شماره ۲۵، مهر و آبان، صص ۲۶-۲۲.

حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۰)، «هویت، قومیت و سیاست خارجی در خاورمیانه»، *سیاست*، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار.

خلیلی، محسن (۱۳۹۰)، «مفهوم قلمرو در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: مرز جغرافیایی/ بی مرزی عقیدتی»، *راهبرد*، شماره ۵۸، سال بیستم، بهار.

دادانیش، پروین (۱۳۸۴)، «روند تکوین سیاست‌های روسیه در آسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال چهاردهم، دوره چهارم، شماره ۵۱، پاییز، صص ۱۵۳-۱۸۴.

زرگری‌نژاد، غلامحسین و کاظم‌زاده، حامد (۱۳۸۷)، «چرخش‌ها؛ بحران خاموش»، *مطالعات اورآسیای مرکزی*، سال اول، شماره ۲، تابستان و پاییز، صص ۸۶-۶۷.

زین‌العابدین، یوسف (۱۳۸۹)، *ژئوپلیتیک (ایده-کاربرد)*، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی رشت.

سلیمانی پورلک، فاطمه و شجاع، مرتضی (۱۳۹۰)، «عوامل مؤثر در فرایند نظامی شدن دریاچه خزر»، *راهبرد دفاعی*، سال نهم، شماره ۳۳، تابستان، صص ۲۱۸-۱۸۹.

سیمبر، رضا و گل‌افروز، محمد (۱۳۸۸)، «فرصت‌های مشترک ایران و روسیه در عرصه ژئوپلیتیک انرژی؛ وضعیت فعلی و چشم‌انداز»، *راهبرد یاس*، پاییز، شماره ۱۹، صص ۱۰۳-۶۷.

شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و باقری، مرتضی (۱۳۹۱)، «تحلیل بحران چین در چارچوب رهیافت مطالعات امنیت انتقادی»، *مطالعات اورآسیای مرکزی*، سال پنجم، شماره ۱۰، بهار و تابستان، صص ۱۱۸-۹۹.

صناعی، فاطمه (۱۳۸۹)، «تئوری‌های استراتژیک روسیه معاصر»، *بارگذاری شده در:*

<http://strategicreview.org/?p=12711>

عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰)، *ژئوپلیتیک*، تهران: سمت، چاپ پنجم.

عزتی، عزت‌الله و احمدی سیلوه، جمال (۱۳۸۹)، «تحلیل فضایی بحران قومیتها در خاورمیانه؛ مطالعه موردی کردهای ایران»، *جغرافیای انسانی*، سال دوم، شماره دوم، بهار.

عمادی، رضی (۱۳۸۹)، «عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌سازی خارجی روسیه»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۷۰، صص ۸۹-۶۶.

علی‌زاده، عمران و بردبار طاهر گورابی، مهرداد (۱۳۸۶)، «بررسی سیاست‌های روسیه در خلیج فارس (دوران جنگ سرد و پس از آن)»، *گزارش*، سال هفدهم، شماره ۱۸۹، مرداد.

قالیباف، محمداقبر و پورموسوی، سیدموسی (۱۳۸۷)، «ژئوپلیتیک و سیاست خارجی»، *پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۶۶، زمستان.

قصاب‌زاده، مجید (۱۳۹۱)، «جایگاه ژئواکونومی ایران در منطقه‌ی خاورمیانه بزرگ»، *مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران*، جلد دوم، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی.

کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹)، «ایران و روسیه: متحد شرقی یا تهدید جنوبی؟»، *روابط خارجی*، سال دوم، شماره‌ی سوم، پاییز، صص ۱۹۹-۱۷۱.

کرمی، جهانگیر (۱۳۸۹)، «هویت ملی و سیاست روسیه در خارج نزدیک»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، سال دوازدهم، دوره سوم، شماره ۴۴، صص ۶۲-۳۵.

کرمی، جهانگیر (۱۳۹۰)، «بحران کاهش جمعیت و وضعیت خانواده در روسیه امروز»، *ایراس*، شماره ۳۵، مهر و آبان، صص ۴۸-۴۲.

کولایی، الهه (۱۳۷۶)، *سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه*، تهران: وزارت امور خارجه.
 کولایی، الهه (۱۳۸۹)، *بررسی زمینه‌های نظری و تاریخی همگرایی و واگرایی در فدراسیون روسیه*، تهران: دفتر وزارت امور خارجه، چاپ دوم.

کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹)، *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)*، تهران: دانشگاه تربیت معلم.

گل‌وردی، عیسی (۱۳۸۹)، «مرزها، آسیب‌ها و کارکردها»، *ره‌نامه سیاست‌گذاری سیاسی دفاعی و امنیتی*، سال اول، شماره دوم، زمستان.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۹)، *سیاست‌های مرزی و مرزهای بین‌المللی ایران*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: سمت.

مجتهدزاده، پیروز و رشیدی‌نژاد، احمد (۱۳۹۰)، «تحلیل ژئوپلیتیک سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران»، *ژئوپلیتیک*، سال هفتم، شماره دوم، تابستان، صص ۳۶-۱.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران: سمت.

مریدی، بهزاد و بخشنده، خاطره (۱۳۹۰)، «هویت و سیاست در جمهوری‌های مسلمان‌نشین روسیه: مطالعه موردی داغستان و تاتارستان»، **مطالعات اورآسیای مرکزی**، سال چهارم، شماره ۹، پاییز و زمستان، صص ۱۳۸-۱۱۹.

معینی‌فر، حشمت‌السادات و خیری، مه‌ری (۱۳۸۹)، «نقش و تأثیر وهابیت در بحران چچن»، **مطالعات اورآسیای مرکزی**، سال سوم، شماره ۷، پاییز و زمستان، صص ۱۷۰-۱۵۱.

«مقاله ضمیمه: بحران‌های قفقاز شمالی» (۱۳۷۵)، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۱۵، پاییز، صص ۳۴۳-۳۶۷. بارگذاری شده در:

<http://www.noormags.com/view/fa/ArticlePage/516302>

«مقاله ضمیمه: ترکیب قومی جمعیت فدراسیون روسیه» (۱۳۷۴)، **مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، دوره ۲، شماره ۹، صص ۲۵۵-۲۴۷. بارگذاری شده در:

<http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/860032>

نامی، محمدحسن و احمدی دهکاء، فریبرز (۱۳۹۱)، «بررسی چالش‌های حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز»، **مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران**، جلد دوم، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی.

نوری، علیرضا (۱۳۸۶)، «راهبرد ابرقدرت انرژی در سیاست خارجی روسیه»، **ایراس**، شماره ۱، نوزدهم، صص ۳۱-۲۷.

نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۸)، «ایران، کانون چند زیرسیستم منطقه‌ای»، **مطالعات اورآسیای مرکزی**، سال دوم، شماره ۵، زمستان، صص ۱۵۲-۱۳۹.

نواح، عبدالرضا، قیصری، نورالله و تقوی‌نسب، مجتبی (۱۳۸۹)، «آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران، مطالعه موردی: عرب‌های ساکن شهرستان اهواز»، **تحقیقات فرهنگی**، شماره ۱۱.

نوازی، بهرام و نوازی، مرتضی (۱۳۹۰)، «ملت تاتار: از اردوی زرین تا ولگا-اورال»، **تاریخ روابط خارجی**، سال دوازدهم، شماره ۴۷، تابستان، صص ۱۴۱-۱۲۱.

هرسیج، حسین، تویسرکانی، مجتبی و جعفری، لیلا (۱۳۸۸)، «ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال چهارم، شماره ۲، بهار.

ب- انگلیسی

Jaimoukha, Amjad (2005) **the Chechens: A Hand Book**, London.